

بازیابی طرح باغ و آبادی عزت‌آباد

نمونه‌ای از باغ‌سازی حاکمان محلی ابرکوه^۱

حمیدرضا جیحانی^۲

استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

لیلا اکرمی^۳

کلیدواژگان: ابرکوه، میرزااحمدخان سالارنظام، عزت‌آباد، باغ امید سالار، باغ تاریخی.

چکیده

خصوصیات جغرافیایی، نمونه‌های باقی‌مانده، و اثری همچون سرو کهن سال همگی نشانه‌هایی از این موضوع هستند که منطقه ابرکوه در بردارنده باغ‌ها و میراث‌دار سنتی کهن در باغ‌سازی بوده است. بخش وسیعی از این باغ‌ها مرهون ساخت زمین و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از زمین‌های «سنگی» و «قابل کشت» با دو کاربرد متفاوت بوده است. به جز باغ‌های مجزا، گونه‌ای از باغ‌ها در ابرکوه و حومه آن قابل مشاهده است که بر اساس ترکیبی از باغ‌ها و مزارع و بر مبنای آب یک قنات شکل گرفته‌اند. یکی از این نمونه‌ها باغ عزت‌آباد یا امیدسالار است که در اثر خشک شدن آب قنات و نبود رسیدگی در معرض تخریب است. با وجود آسیب‌های جدی، شناخت باغ و مجموعه پیرامونش می‌تواند درک ما را از باغ‌سازی در ابرکوه غنا بخشد. این باغ در بیرون از حصار قدیمی شهر در منطقه‌ای به همین نام واقع شده است. مالک اولیه باغ شخصی به نام سالار نظام است و بعد از او فرزندش امیدسالار صاحب باغی می‌شود که اکنون به نام او در اذهان عمومی باقی مانده است. در مقاله پیش روی در شناخت

طرح و خصوصیات اصلی سعی شده است. در پی این هدف، مطالعه سوابق مرتبط در متون تاریخی، بررسی اسناد و مدارک، تحقیقات میدانی و بهره‌گیری از اطلاعات مطلعین محلی در مرکز توجه بوده است. این باغ حدود ۲۷۰۰۰ متر مربع مساحت دارد و در میان باغ‌ها و مزارع و در جوار قلعه‌ای سکونت‌ی جای گرفته است و با خیابانی کوتاه به راه اصلی ابرکوه به یزد متصل می‌شود. باغ در بردارنده کوشکی در مقابل ورودی اصلی و به فاصله نزدیک‌تری به دیوار انتهایی باغ، صحن اصلی با خیابان بندی و کرت‌ها، برج‌های دو طبقه در چهار گوشه حصار، و دو ورودی اصلی و فرعی است. در روزگار رونق باغ، این کوشک فضایی تشریفاتی بوده و در عین حال طبقه بالای کوشک و محدوده پشت آن فضایی خصوصی‌تر را شکل می‌داده‌اند.

مقدمه

کمتر کسی است که نام ابرکوه را بشنود و سرو کهن سال آن در ذهنش تجلیگر قدمت این شهر نشود. حضور این درخت نشان از آبادی شهر در روزگاران بسیار قدیم دارد و ممکن است بازگوکننده علاقه مردم ابرکوه به درخت و درختکاری و سرسبزی باشد و نیز نشانه‌ای از ریشه‌دار بودن فرهنگ باغ‌سازی در این منطقه کویری.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان طرح مرمت و احیاء کوشک و باغ عزت‌آباد ابرکوه است که با راهنمایی نویسنده اول و در مهرماه ۱۳۹۳ در دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد دفاع شده است.

۲. نویسنده مسئول؛

jayhani@kashanu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد؛

leili.3012@yahoo.com

پرسش‌های پژوهش

۱. باغ عزت آباد چگونه طراحی و چه اجزا و بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ای داشته است؟
۲. باغ یادشده چه نقشی در آبادی عزت آباد ابرکوه داشته است؟

در کنار اثر شاخصی چون سرو کهن‌سال، خصوصیات جغرافیایی و نمونه‌های باقی‌مانده همگی نشانه‌هایی از این موضوع هستند که منطقه ابرکوه در بردارنده باغ‌ها و میراث‌دار سنتی کهن در باغ‌سازی بوده است. در عین حال بسیاری از باغ‌ها تخریب شده‌اند و برخی دیگر رو به نابودی هستند. باغ تاریخی عزت‌آباد (امیدسالار) نیز از این روند تخریب بی‌نصیب نمانده است. هدف در این مقاله شناخت باغ یادشده به مثابه نمونه‌ای از باغ‌سازی حکام محلی ابرکوه است. در مورد تعداد باغ‌های تاریخی ابرکوه آمار مدونی در دست نیست و آنچه ما را در این مسیر رهنمون می‌کند، مطالعه تحقیقات انگشت‌شماری است که به منظور مستندنگاری موردی باغ‌ها صورت گرفته است. به دلیل فقدان منابع کافی، مطالعات یادشده نیز می‌بایست بیشتر بر اساس بررسی‌های میدانی و کسب آگاهی از مطلعین و همچنین خاطرات معمرین محلی انجام شده باشد. با استناد به این منابع می‌توان زمین‌های کشاورزی و باغ‌های ابرکوه را به دو دسته درون و بیرون حصار شهر تقسیم‌بندی کرد. در درون حصار خانه‌باغ‌ها و باغ‌ها بیشتر به پرورش درختان میوه اختصاص داشته است. این مقاله به یکی از باغ‌های بیرون حصار معطوف است؛ باغ‌هایی که علاوه بر پرورش درختان میوه، گاه سکونتگاه‌هایی خارج از حصار نیز محسوب می‌شده‌اند. این باغ‌ها را خوانین وقت ساخته و آباد کرده‌اند و فضایی برای تفرج و سکونت موقت مالکان به حساب می‌آمدند. به نظر می‌رسد که ساخت این گونه باغ‌ها در ابرکوه در دوره قاجار رونق داشته است. باغ عزت‌آباد ابرکوه یکی از این نمونه‌ها است. نظر به ناچیز بودن منابع مکتوب، در این مقاله، جدای از بررسی منابع موجود، به بررسی‌های میدانی و مطالعات تاریخ شفاهی اتکا شده است.

۱. نگاهی اجمالی به ابرکوه

ابرکوه در فلات مرکزی ایران، در جوار کویری به نام «کفه ابرکوه» و در ۱۴۰ کیلومتری جنوب غربی یزد است و به دو بخش مرکزی و بهمن تقسیم می‌شود.^۴ ابرکوه دو حوزه شهری را شامل می‌شود: شهر قدیم که در دامنه کوه آباد و شهر جدید که در دشت واقع هستند.^۵ قدیمی‌ترین کتابی که درباره ابرکوه مطالبی را ذکر کرده، *المسالک و الممالک* ابن خردادبه است که به سال ۲۵۰ق تألیف شده است و در آن از این شهر با نام ابرقوه و ابرکویه یاد شده و از نواحی کوره اصطخر برشمرده شده است.^۶ اشارات جغرافی‌نویسان و مورخان

۴. کویر کفه ابرکوه در شرق شهر واقع شده است و امروزه به صورت معدن نمک درآمدی است (نک: سیدعلی مدرس‌زاده ابرقوئی، شناخت ابرقوه و قدمت آن، ص ۵-۶).
 ۵. ایرج افشار، «ابرقو»، ص ۲۳۲.
 ۶. ابن خردادبه، *مسالک و ممالک*، ص ۵۰-۵۳.

که به‌مرور زمان خراب شده است و اکنون بیست قریه آباد دارد.^۴ نام این ناحیه در منابع قدیم و جدید به صورت‌های برقوه، برقویه، ابرقوه، ابرکویه، ابرقویه، و رکوه، درکوه، برکوه، ابرکوه، و ابرقو آمده است. به طور مثال یاقوت از این شهر با عنوان «ابرقوه» یاد کرده است و در ادامه می‌گوید که «فارسیان آن را ورکوه نامند که به معنی بالای کوه است».^۵ نام‌های فوق به موقعیت طبیعی شهر و واقع شدن آن در بر یا پای کوه اشاره دارند. زیرا دورتادور ابرکوه را کوه‌هایی با ارتفاع متفاوت احاطه کرده‌اند. در سبب نام‌گذاری آن تاریخ و جغرافی‌نویسان علت‌هایی را ذکر کرده‌اند. به طور مثال حمدالله مستوفی در خصوص وجه تسمیه ابرکوه می‌نویسد:

ابرقوه از اقلیم سوم است، در اول در پایان کوهی ساخته بودند و برکوه می‌گفتندی و بعد از آن بر صحرایی که اکنون است این شهر کردند.^۶

یا محمد حسین بن خلف تبریزی در انتهای سده یازدهم هجری قمری از این شهر با عنوان «ابرقوه» یاد کرده و درباره آن چنین آورده است:

ابرقوه... نام شهری است از عراق عجم و چون آن شهر بر زمینی که در ته آن کوه است واقع شده، به این نام موسوم ساختند و معرب آن ابرقوه است.^۷

۲. باغ در ابرکوه

در متون تاریخی آمده است که، آب‌وهوای ابرکوه مناسب و شهر بستر خوبی برای سکونت بوده است و در عین حال به آب و کاریز و باغ‌های آن هم اشاره شده است. در *فارسنامه* ابن بلخی ذکر شده است:

ابرقویه شهرکی است... و هوای آن معتدل است... و آب، هم آب روان باشد و هم کاریز و غله بوم است و میوه، بسیار باشد. جایی خوش است و هوا و آب درست.^۸

سده‌های نخست بر شهری آباد دلالت دارد. اصطخری در نیمه نخست سده چهارم یادآور می‌شود که «ابرقوه شهری خوش و نزه است با خصب و نعمت و ارزانی و راحت، با خلق انبوه...».^۹ ابن حوقل از ابرقو زیر عنوان فارس نام می‌برد^۸ و ابن بلخی در آغاز سده ششم هجری شهر را آبادان و دارای مسجد جامع و منبر دانسته است.^۹ معمولاً برای ابرکوه سابقه‌ای طولانی تصور می‌شود، چنان‌که یاقوت حموی که ابرقوه را شهری نامبردار در فارس و از خوره اصطخر نزدیک یزد دانسته است، خاطر نشان می‌کند که در کتاب *اوستا (بستاق)* خوانده است که *سُعدا (سُعدی)* دختر *تُبَّع* که همسر کیکاوس بود عاشق کیکسرو پسر او شد، با او در میان گذاشت و چون او نپذیرفت، به پدرش به دروغ شکایت برد. پس از آن کیکسرو برای دفاع از خود آتشی بزرگ در ابرقوه فراهم کرد. یاقوت به تپه‌ای از خاکستر در میان شهر اشاره می‌کند و این که مردم ابرقو می‌پندارند که بازمانده آتشی است که برای ابراهیم افروخته شده است.^{۱۰} بنا بر این به نظر می‌رسد که در زمان یاقوت، پیشینه‌ای فراتر از رویدادهای تاریخی برای شهر قابل تصور بوده است، چنان‌که یاقوت آن را به پادشاهان کیانی نسبت می‌دهد. پاره‌ای دیگر از متون تاریخی بر حاصلخیزی و اهمیت کشاورزی اشاره دارند و تلویحاً بستری مناسب برای باغ‌سازی را یادآور می‌شوند. حمدالله مستوفی در ۷۴۰ق از وضعیت اقلیمی و کشاورزی در ابرقو صحبت کرده و از سرو دیه فراغه از توابع ابرقو می‌گوید که در جهان شهرتی عظیم دارد، چنان‌که در عهد کیانیان سرو کشمیر و بلخ شهرتی داشته^{۱۱} و احمد رازی در ابتدای سده یازدهم آن را شهری حاصلخیز با قنات‌های متعدد دانسته است.^{۱۲} این پیشینه وضعیت ابرکوه را در سده‌های گذشته نشان می‌دهد. با وجود این به نظر می‌رسد ابرکوه به‌مرور جایگاه خود را از دست داده است. مؤلف *بستان السیاحه* در ۱۲۳۷ق به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید «...قدیم الزمان مدینه بزرگ بوده و به‌مرور ایام رو به خرابی نهاده».^{۱۳} او این موضوع را به سال ۱۲۴۲ق در *حدائق السیاحه* نیز یادآور شده و ابرقو را در گذشته شهری بزرگ دانسته

۱. اصطخری، *مسالك و ممالک*، ص ۱۱۲.

۲. ابن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل*، *ایران در صورت الارض*، ص ۵۰.

۳. ابن بلخی، *فارسنامه ابن بلخی*، ص ۲۹۱.

۴. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج اول، *بخش نخست*، ص ۸۲.

۵. حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، ۱۲۱-۱۲۲.

۶. امین احمد رازی، *تذکره هفت‌اقلیم*، ۱۶۹.

۷. زین العابدین شیروانی، *بستان‌السیاحه*، ۶۱.

۸. زین العابدین شیروانی، *حدائق السیاحه*، ۵۰.

۹. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج اول - *بخش نخست*، ۸۲.

۱۰. حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۱۲۱.

۱۱. برهان، *برهان قاطع*، ص ۸۰.

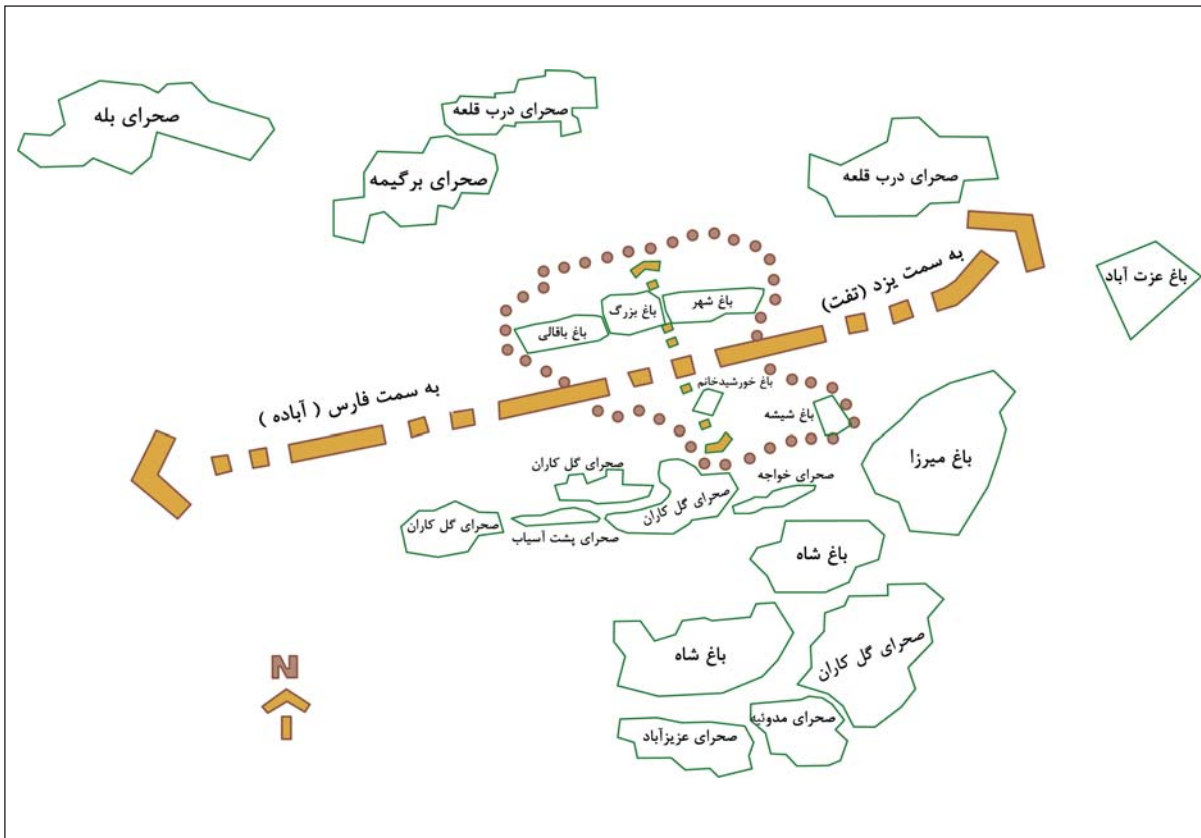
۱۲. ابن بلخی، *همان*، ص ۲۹۰-۲۹۱.

در برخی اشارات تاریخی، خصوصیات اصلی شهر و از جمله بستر شکل‌گیری آن نیز یادآور می‌شود. به طور مثال اصطخری در مسالک و ممالک دربارهٔ ابرکوه می‌گوید:

... خانه‌هایش متداخل و در هم و غالباً، به مانند خانه‌ها و بناهای یزد، مرتفع و طولانی و دوروبرش از درخت و باغ خالی است، ولی باغ و درخت آن فواصل دورتر قرار دارد و این در فراوانی و ارزانی نعمت مستغرق است.^{۱۹}

این گفته با بررسی سطح باغ‌های داخل حصار و نسبتی که با بناها دارند قابل فهم است. این موضوع احتمالاً به بستر سنگی شهر اشاره دارد و اینکه محدودهٔ سکونت‌شده چندان

مناسب کشتزار و باغ نبوده است. زیرا هستهٔ زیستی ابرکوه بر رگه‌هایی از سنگ با امتدادی شرقی- غربی شکل گرفته است. علاوه بر فرسایش طولانی‌مدت، سیلاب‌های منطقه دلیل دیگر شکل‌گیری این رگه‌های سنگی بوده است. این سیلاب‌ها، از سویی، باعث فرسایش رگه‌ها شده و راه خود را از میان آنها باز کرده و از سوی دیگر، با خود آبرفت‌هایی را آورده و بین این سنگ‌ها جای داده‌اند که خود به حاصلخیزی این زمین‌ها منجر شده است. بنا بر این انتخاب هوشمندانهٔ سنگ برای سکونت، نزدیکی به زمین‌هایی با قابلیت زیاد برای کشاورزی و باغداری را نیز سبب می‌شده، از این رو باغ‌ها همواره در پیوند دائمی با شهر بودند.^{۲۰}



۱۹. اصطخری، همان.

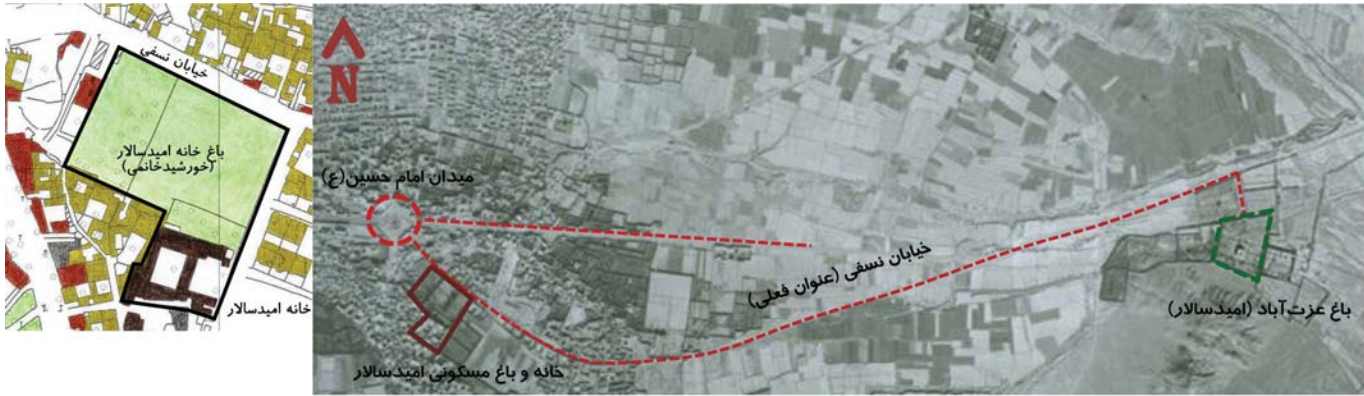
۲۰. سامان کارگر، طرح مرمت و سامان‌دهی مسجد جامع ابرکوه، ص ۷۱-۷۲.

ت ۱. پلان شماتیک از جای‌گیری باغ‌ها درون و بیرون حصار قدیم شهر ابرکوه، مأخذ: اکرمی بر اساس نقشهٔ ترسیمی در: سامان کارگر، طرح مرمت و سامان‌دهی مسجد جامع ابرکوه.

ت ۲ (صفحهٔ روبه‌رو). بالا: نمایش خیابان نسفی، مسیر احتمالی دسترسی به باغ عزت‌آباد از مرکز شهر و خیابان اصلی در حال ساخت بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۵ش. مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ترسیم: اکرمی.

پایین: نمایش مسیرهای دسترسی به باغ عزت‌آباد از میدان اصلی شهر در حال حاضر بر روی عکس هوایی سال ۱۳۹۴ش. خط‌چین سفید، مسیر فرعی و احداثی اهالی منطقه است، مأخذ: Google Earth.

بر اساس آنچه ذکر شد و با توجه به ساخت شهر، زمین‌های تقسیم‌بندی می‌شود (ت ۱). در زمین‌های بیرون علاوه بر کشت و باغ‌های ابرکوه به دو قسمت درون و بیرون حصار باغ‌های میوه، کشاورزی هم رونق داشته و گندم، جو، و پنبه



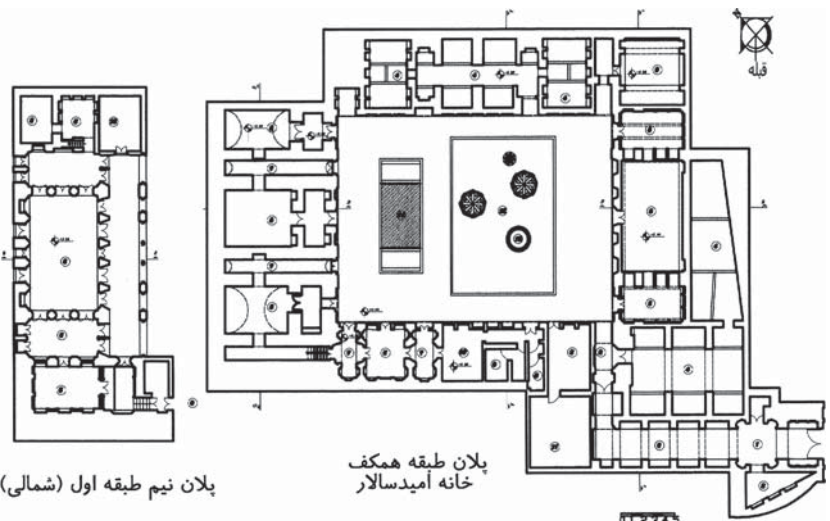
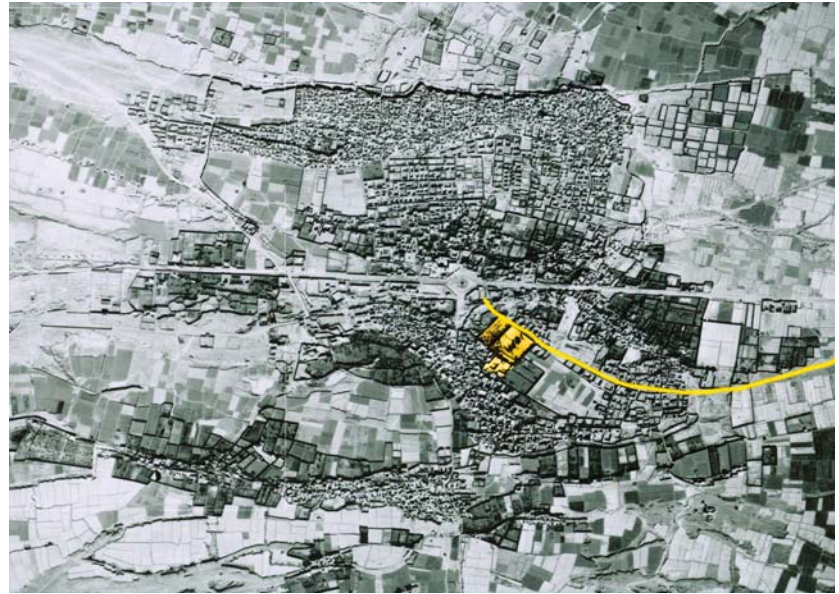
این موقعیت جغرافیایی بوده است که نام محدوده را مشخص می‌کرده است. این زمین‌ها با فاصله‌ای در شمال و جنوب حصار واقع شده‌اند و اگرچه نه به اندازه گذشته، اما هنوز نیز رونق دارند و سرپا هستند.^{۲۱} عزت‌آباد یکی از این منطقه‌ها است که یک باغ سکونتگاهی، یک قلعه مسکونی، و پاره‌ای باغ‌ها و زمین‌های زراعی را در بر می‌گیرد. به جز باغ عزت‌آباد، می‌توان به نمونه‌های مشابه دیگری از این دست، همچون باغ اسفندیار سالاری در زمین‌های زراعی سنی، باغ امیدوار در اسفندآباد، باغ اسفندیارخان در فیروزآباد، باغ دولت‌آباد، و باغ میرحسینی اشاره کرد.

۳. موقعیت استقرار باغ عزت‌آباد

منطقه عزت‌آباد در بخش مرکزی شهرستان ابرکوه واقع شده است و دسترسی به آن از میدان مرکزی شهر (میدان امام حسین^(ع)) و با حرکت به طرف شرق و با عبور از میدان اول و دوم، میسر می‌شود. باغ اکنون در حاشیه بلوار امام رضا^(ع) است و کوشک عزت‌آباد از درون راه اصلی مشاهده می‌شود. ورودی اصلی باغ در جبهه شمالی و در بر مسیر دسترسی به منطقه است و فضای باز باریک شبیه یک خیابان کوتاه را در مقابل خود دارد. در حال حاضر راهی که در اثر عبور و مرور مردم در دهه‌های اخیر شکل گرفته و حصار باغ را نیز گسسته، دسترسی دیگری را به جبهه غربی باغ فراهم کرده است.^{۲۲} علاوه بر باغ مورد نظر، آبادی عزت‌آباد باغ‌های دیگری را نیز شامل می‌شود. نام اشهر باغ و کوشک «امیدسالار» است که برگرفته از نام مالک دوم آن است. در عین حال باید توجه داشت که میرزااحمدخان معروف به سالارنظام، پدر امیدسالار، مالک اصلی این منطقه بوده است.^{۲۳}

از بررسی عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ ش روشن می‌شود که خیابان و شریان اصلی شهر که جهتش شرقی-غربی است، تا زمان تهیه عکس‌ها نیز تکمیل نشده و

کاشت می‌شده است. این زمین‌ها گاه مانند صحرای دربقلعه، گل‌کاران و نبادان، به نام محله‌ای که ساکنانش از آنها استفاده می‌کردند، نام گرفته و گاه همانند صحرای فتح‌آباد و عزیزآباد،



۲۱. مرضیه حاصلی، احیای باغ‌شهر ابرکوه، ص ۷۲.

۲۲. به خاطر قرارگیری باغ در آبادی عزت‌آباد، کوشک آن به همین نام به شماره ۲۲۷۵۹ و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته اخیر، محدوده ←

ت ۳ (صفحه روبه‌رو). موقعیت خانه و باغ امیدسالار و خیابان نسفی بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۵ ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ترسیم: اکرمی.

ت ۴. راست: سالارنظام به همراه پسرش، امیدسالار، مالکان اصلی باغ‌های عزت‌آباد ابرکوه؛ وسط: میرزا احمدخان ملقب به سالارنظام؛ سمت چپ: امیدسالار (محمدرضا) به همراه پسر و برادرش، مأخذ: آلبوم شخصی ذبیح الله امیدسالاری.

ابرقویی بود که این سمت را تا سال ۱۲۹۶ ق در اختیار داشته است. وی صاحب ۳ پسر و ۳ دختر بوده است. پس از مرگ حاج عبدالرضاخان، فرزند ارشد او به نام میرزا احمدخان ملقب به «سالارنظام» به حکومت ابرکوه منصوب شد.^{۲۶}

بر اساس گفته معمرین، وی از فتودال‌های بزرگ زمان خود به‌شمار می‌رفته است. شیخ محمدحسین منشی‌زاده که در سال ۱۳۰۰ ش / ۱۳۴۰ ق از ابرکوه عبور کرده، بیشترین املاک این منطقه را متعلق به سالارنظام (ت ۴) دانسته است.^{۲۷} سالارنظام به سال ۱۳۰۷ ش / ۱۳۴۷ ق درگذشته است.^{۲۸} پس احتمال دارد که قدمت باغ عزت‌آباد به اواخر دوره قاجار بازگردد. از طرفی مسن‌ترین استاد معمار ابرکوه حاج امیر معمارزاده اظهار می‌دارد که پدر او حاج حسن (۱۲۶۲ تا ۱۳۲۲ ش / ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۲ ق) به مدت ۳۰ سال معمار سالارها (منظور سالارنظام پدر و امیدسالار فرزند) بوده است. لذا به نظر می‌رسد که قدمت بنا و باغ یا دست‌کم سال شروع ساخت بیشتر به دهه‌های آخر دوره قاجار بازمی‌گردد و به پیش یا پس از آن ربطی ندارد. با وجود این باید در نظر داشت که از نظر سبک‌شناسی، دشوار بتوان تفاوتی میان معماری اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در مناطق دور افتاده‌ای چون ابرکوه قائل شد.

باغ در حال حاضر مالک خصوصی دارد. پس از پایان دوره

رونق نداشته است و مسیر دسترسی به باغ در گذشته، باید راهی باشد که اکنون به خیابان نسفی معروف است. بررسی عکس‌های هوایی نشان می‌دهد که این خیابان، خانه مسکونی امیدسالار در شهر را به باغ او در بیرون حصار متصل می‌کرده است (ت ۲). قابل ذکر است که مالک اولیه این خانه پدر امیدسالار بوده که بعد از درگذشتش، هم خانه و هم باغ‌های منطقه عزت‌آباد به اتفاق به مالکیت پسرش درآمده‌اند (ت ۳).

۴. نگاهی به تاریخچه باغ عزت‌آباد

بر اساس مطالعات پیشین و آنچه در پرونده ثبتی کوشک باغ عزت‌آباد درج شده است، این اثر تاریخی به دوران پهلوی اول نسبت داده می‌شود. اما با برداشتی که از سخنان مطلعین محلی می‌شود، شاید بتوان قدمت بنا را به پیش از آن نسبت داد. با بررسی تاریخ ابرکوه مشخص می‌شود که بعد از فتنه افغان‌ها در سال ۱۱۳۵ ق بختیاری‌ها به ابرکوه آمدند. ایشان که در حدود سال‌های ۱۲۱۰-۱۲۲۵ ق در سرحد فراغه ساکن شده بودند، برای رهگذران و مردم منطقه ایجاد ناامنی و آشوب می‌کردند. بنا بر این در دوره قاجار مجدداً کارگزاری برای حکومت بر ابرکو فرستاده شدند که علاوه بر جمع‌آوری حقوق دیوانی و نظم‌دهی امور، به جمع‌آوری سرباز محلی نیز می‌پرداختند. نویسنده سیاحتنامه جنوب ایران که در ۱۲۵۶ ق از سوی محمدشاه قاجار برای مطالعه امور شهرهای جنوب و نقشه‌برداری و ممیزی سرحدات مأمور شده بود در رساله خود از میرزا قاسم‌خان حاکم ابرکوه نام می‌برد.^{۲۹} اما ناامنی احتمالاً تا دهه‌های بعد ادامه داشته است. زیرا کلنل سی ام مک‌گرگور به هنگام عبور از ابرکوه به سال ۱۲۹۲ ق / ۱۸۷۵ م خاطر نشان کرده است که جاده‌های اطراف به خاطر بختیاری‌ها آن قدر ناامن است که هیچ نوع رابطه بازرگانی میان مردم این محل با دنیای خارج انجام نمی‌گیرد.^{۳۰} گفته می‌شود اولین حاکم ابرکوه در این دوره شخصی به نام حاج عبدالرضاخان پسر فتح‌الله‌خان



→ باغ به پرونده ثبت کوشک
باغ عزت آباد افزوده شد و قلعه مجاور
نیز به تاریخ ۱۳۹۴/۶/۳۰ در فهرست
آثار ملی ثبت گردید.

۲۳. داوودی، سیدجلیل. مصاحبه
شفاهی، اردیبهشت ۱۳۹۲.
۲۴. ایرج افشار، همان، ص ۲۳۳.
۲۵. نک: چارلز مک گرگور، شرح
سفری به ایالت خراسان و شمال
غربی افغانستان.

ت ۵. وضعیت باغ در سال ۱۳۹۳،
مأخذ: Google Earth.

سالارها در ابرکوه، کوشک بلااستفاده مانده است. با وجود
این، کشاورزان از باغ‌های آبادی عزت‌آباد کماکان بهره‌برداری
می‌کرده‌اند تا اینکه با خشک شدن قنات‌ها و با وجود حفر چاه،
این بهره‌برداری تداوم نیافت و درنهایت از حدود دهه شصت
خورشیدی کل منطقه متروک شد.

۵. شناخت باغ

بررسی عکس‌های هوایی دهه اخیر (ت ۵) وضعیت گسیخته‌شده
باغ را نمایش می‌دهد. اما برای فهم فضای باغ باید به عناصر
پیرامون باغ محصور نیز توجه کرد. عکس هوایی سال ۱۳۳۵
باغ محصور پیرامون کوشک میانی را در کنار عناصر دیگری
نمایش می‌دهد (ت ۶). مجموعه عناصر و محدوده‌های قابل
مشاهده آشکار می‌کنند که باغ مورد نظر صرفاً یک باغ مجزا
نیست، بلکه مجموعه‌ای از باغ‌ها و فضاهای باز در کنار هم



گرد آمده‌اند تا باغ و فراتر از آن، آبادی عزت‌آباد شکل گرفته
است. این مجموعه مشتمل است بر باغ اصلی، مجموعه‌ای از
باغ‌های میوه، و زمین‌های زراعی و قلعه برای سکونت رعایای
این باغ‌ها و زمین‌ها. از این آبادی‌ها نمونه‌های دیگری نیز در
ابرکوه مشاهده می‌شود که بی‌شبهت به آبادی و باغ مورد
مطالعه نیستند. از جمله می‌توان به باغ‌های مجموعه دولت‌آباد
اشاره کرد که متعلق به میرزا علی محمدخان معروف به حاج‌خان،
برادر سالار نظام، بوده است. این باغ‌ها به همراه کوشک سکوتی
مالک، در شمال شهر ابرکوه و شمال شرقی آبادی عزت‌آباد واقع
شده است. این آبادی نیز همچون عزت‌آباد در بیرون حصار
قدیمی شهر قرار گرفته است.

منطقه‌ای که باغ مورد مطالعه در آن است، از غرب به سمت
شرق شیب دارد و آب قنات آن در شرق ابرکوه به سطح زمین
رسیده و باعث آبادانی شده است. در عین حال بخش مهمی از
آبادی و بخصوص باغ اصلی در پای یک تپه واقع شده است.
این تپه جهت شیب موضعی زمین را از جنوب به شمال تغییر
داده است. قرارگیری باغ و دیگر بخش‌های آبادی در پای تپه
یادشده، در کنار جهت شیب کلی منطقه، باعث شده است تا
آب به راحتی به همه بخش‌های مجموعه سوق داده شود. از
طرفی، سرسبزی و حضور درختان متعدد در این آبادی، به منزله
بخشی از دشت ابرکوه، نشان‌دهنده توان خاک بستر برای ایجاد
باغ‌هایی با وسعت ده‌ها هکتار بوده است. دشت ابرکوه در کل
شامل تشکیلات عمدتاً رسوبی است و به دلیل توپوگرافی خاص
منطقه، رسوبات از نواحی شمال و شمال غربی، که دشت‌های
دامنه‌ای و فلات‌ها را شامل می‌شوند، به سمت شرق و جنوب
شرقی (یعنی به طرف چاله ابرکوه)، ریزدانه می‌شوند و مقدار
شوری آن‌ها افزایش می‌یابد و دشت‌های سیلابی و اراضی پست
را پدید می‌آورند.^{۲۹}

یکی از وجوه مشخصه باغ عزت‌آباد حصار آن است که
دربدارنده برج‌هایی در چهار گوشه است. این حصار با چینه

کوشک آن ایجاد کند. علاوه بر خیابان طولی، باغ سه خیابان عرضی شرقی غربی نیز دارد که هر سه به محوطه باز پیرامون کوشک متصل هستند (ت ۸). این قرارگیری نشان می‌دهد که در استفاده از باغ، محوطه اطراف کوشک مهم‌ترین جا است، به طوری که همه خیابان‌ها به آن راه دارند. از این گذشته، چگونگی اتصال دو خیابان شرقی غربی، که از شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین بر محوطه اطراف کوشک می‌گذرند، نشان می‌دهد احتمالاً بنا بر دلایلی هر دو سمت محوطه یادشده، در شمال و جنوب کوشک، اهمیت دارند.

علاوه بر شکل حصار و بخصوص قرارگیری چهار برج در



ساخته شده است. هر جبهه حصار از ۱۰ چین که هرکدام ۵۰ سانتی‌متر است شکل گرفته و میان هر دو چین یک رگ خشت کار شده است. در کل محدوده‌ای به مساحت حدود ۲۷۰۰۰ متر مربع با این برج‌ها و باروی باغ محصور شده است (ت ۷). در داخل این حصار باغی است که بنا بر عکس هوایی سال ۱۳۳۵، هشت کرت در آن قابل شناسایی است (ت ۸). علاوه بر این خیابانی طولی همه طول شمالی جنوبی باغ را می‌پیماید و از محوطه باز اطراف کوشک هم عبور می‌کند. خیابان یادشده با خیابان ورودی باغ اختلاف زاویه دارد و سردر ورودی شمالی باغ چگونگی اتصال دو محور یادشده را سازمان‌دهی کرده است. سردر شمالی شامل یک هشتی میانی با مساحت ۱۸ متر مربع، دو اتاق با مساحتی حدود ۱۷ متر مربع و دو انباری در انتهای اتاق‌ها است (ت ۹ سمت چپ). اختلاف زاویه یادشده باید به میزان زاویه میان راستای باغ و راه اصلی ابرکوه به یزد ارتباط داشته باشد. راه که بالطبع قدیمی‌تر است، راستای خیابان ورودی را عمود بر خود تعریف کرده است. این در صورتی است که محوطه اصلی باغ تقریباً هم‌راستا با جهت ارتفاعات جنوبی شکل گرفته و امکان بهتری برای شیب‌بندی باغ فراهم کرده است تا در عین حال منظر طبیعی بهتری را در پس‌زمینه باغ و

۲۶. مدرس زاده ابرقوئی، همان، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۲۷. محمدحسین منشی‌زاده، سفرنامه منشی‌زاده، ص ۱۵.

۲۸. مدرس زاده ابرقوئی، همان، ص ۱۷۵.

۲۹. عطاءالله قبادیان، سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسایل کویری، ص ۳۰-۳۱.

ت ۶ (بالا). موقعیت باغ و کوشک عزت‌آباد در کنار عناصر دیگر آبادی عزت‌آباد بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ترسیم: اکرمی.

ت ۷ (پایین). بازسازی تصویری حصار چینه‌ای باغ عزت‌آباد ابرکوه، مأخذ: اکرمی.

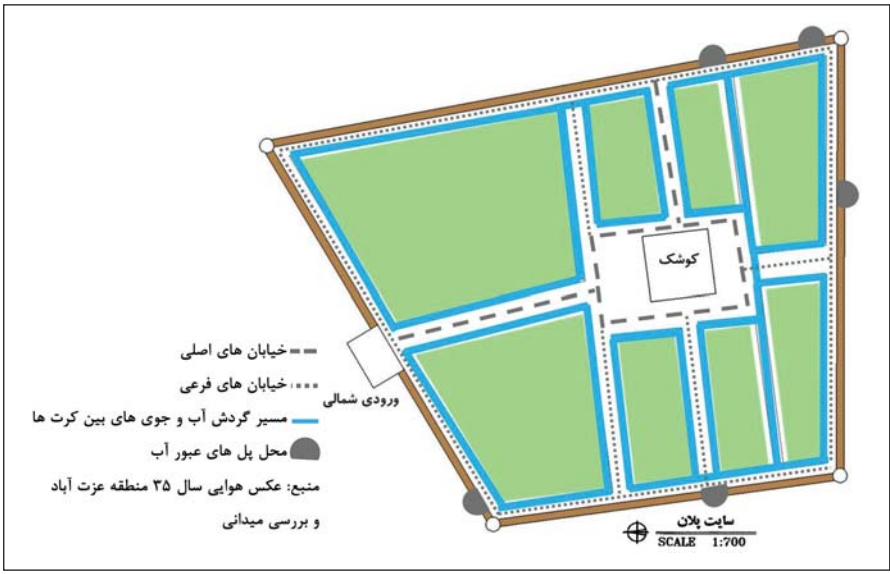


ت ۸ (بالا). نمایش کرت‌ها و مسیر گردش آب در باغ عزت‌آباد ابرکوه، ترسیم: اکرمی. ت ۹ (پایین). ورودی‌های باغ؛ سمت چپ: ورودی شمالی؛ وسطا: ورودی شرقی؛ سمت راست: ورودی سایر باغ‌های منطقه، عکس‌ها: اکرمی.

چهار گوشه آن، عناصر دیگر و از جمله ورودی شمالی نیز حالتی رسمی به باغ عزت‌آباد بخشیده‌اند. باغ دو ورودی دارد، ورودی اصلی در ضلع شمالی باغ (ت ۸) و در برابر فضای باز باریک و کشیده‌ای واقع شده است که شکلی نزدیک به یک خیابان را تداعی می‌کند (ت ۷). دو ردیف درخت که در امتداد دو دیوار فضای کشیده یادشده هستند (ت ۶)، نشان می‌دهد که فضای یادشده خیابانی شمالی‌جنوبی و در عین حال اختصاصی است که ورود به باغ عزت‌آباد را میسر می‌کرده است.

جدای از ورودی شمالی که باغ را به جاده ابرکوه- یزد متصل می‌کرده است (ت ۱۰)، باغ ورودی دیگری نیز در ضلع شرقی خود دارد که ارتباط تنگاتنگی با قلعه مجاور دارد (ت ۹ وسطا). با وجود این، ورودی قلعه در برابر ورودی شرقی باغ نیست. به نظر می‌رسد که این تمهید برای کاستن از ارزش فضایی ورودی یادشده است، تا در نزدیک در قلعه‌ای خدماتی قرار نگیرد. اما در هر صورت این ورودی می‌بایست برای کوتاه کردن مسیر دسترسی باغ به قلعه ساخته شده باشد، چراکه به ادعای معماران و معماران قدیمی و محلی شهر^{۳۰} قلعه هم‌زمان با باغ‌های آبادی عزت‌آباد ساخته شده است تا هم فضایی برای زندگی رعایا و کشاورزان منطقه باشد و هم محلی برای نگهداری احشام مایملک سالارها. این گفته بر اساس چیدمان فضایی قابل مشاهده در قلعه عزت‌آباد نیز قابل تأیید است، قلعه‌ای که کاربری مسکونی و خدماتی داشته است. همچنین حمام موجود در آن می‌تواند گویای این ادعا باشد که قلعه یک فضای زندگی دائمی برای چندین خانوار بوده که در پیوند با باغ‌ها و زمین‌های زراعی، آبادی کوچکی را شکل می‌داده‌اند.

بررسی دوره‌های متفاوت عکس‌های هوایی باغ عزت‌آباد حذف برخی عناصر همچون اصطبل و کاهدان را آشکار می‌کنند (ت ۱۱). مطلعین محلی^{۳۱} نیز صحبت از حوضی می‌کنند که احتمالاً در فضای باز میانی کوشک بوده است. الحاق حوض



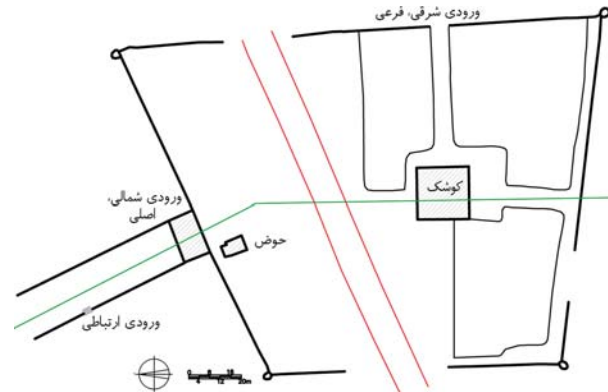
ورودی شمالی باغ نزدیک‌ترند. این دسته از باغ‌های آبادی شکل هندسی دارند و به نظر می‌رسد که این شکل هندسی تحت تأثیر باغ اصلی، و مهم‌تر از آن، خیابان مقابل ورودی اصلی تعریف شده است. دسته دوم باغ‌های سمت جنوب غربی هستند که، تحت تأثیر دامنه تپه و مسیر حرکت جوی آب و رویش درختان

سنگی در جلوی ورودی شمالی نیز در عکس هوایی سال ۱۳۶۲ مشاهده می‌شود (ت ۱۲) و همچنین از هم‌گسیختگی حصار چینه‌ای در جبهه‌های شرقی و غربی، که به واسطهٔ احداث یک گذر جدید غیر رسمی در راستای یادشده ایجاد شده است، در عکس‌های هوایی جدیدتر دیده می‌شود (ت ۵).

۳۰. حاج امیر معمارزاده، فرزند معمار خانواده سالارها، مصاحبه شفاهی، بهمن ۱۳۹۳.
۳۱. همان.

ت ۱۰ (بالا). ورودی کلی باغ‌ها و قلعه منطقهٔ عزت‌آباد، ترسیم: اکرمی.

ت ۱۱ (پایین). موقعیت فضاهای خدماتی باغ بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۵ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ترسیم: اکرمی.



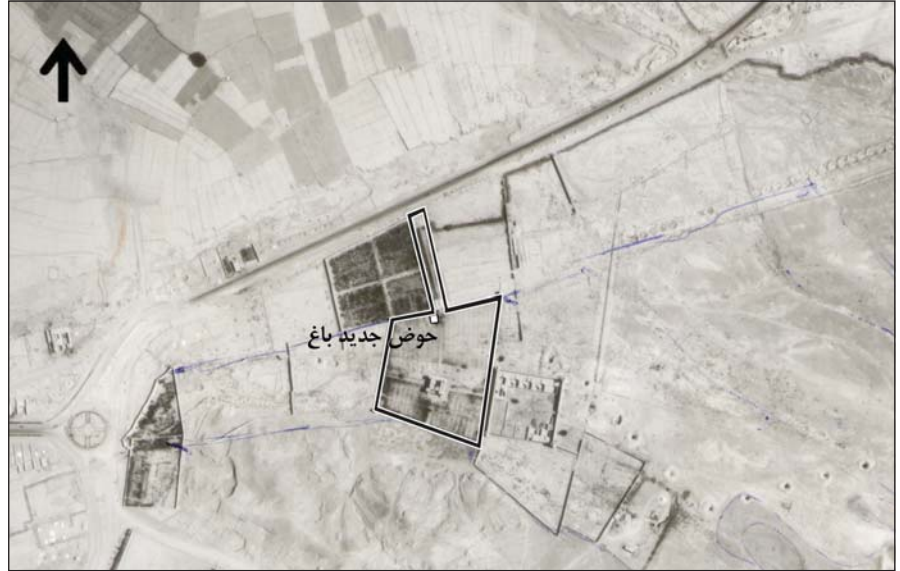
خیابان کوتاه متصل به ورودی شمالی باغ عزت‌آباد در ضلع غربی خود یک ورودی دیگر نیز دارد که می‌بایست راه دسترسی به باغ‌های همجوار باغ عزت‌آباد باشد (ت ۹ سمت راست). این باغ و سایر باغ‌ها عمارت یا کوشکی در میان خود ندارند و از این رو به نظر می‌رسد باغ‌هایی برای تولید محصول بوده‌اند (ت ۱۳). باید توجه داشت که دو باغ دو سوی خیابان مقابل ورودی شمالی تنها باغ‌های بدون کوشک و عمارت آبادی عزت‌آباد نیستند، بلکه در سمت جنوب غربی تعداد بیشتری از این‌گونه باغ‌ها قابل مشاهده است. با وجود این، باغ‌های سمت جنوب غربی شکل هندسی ندارند، هرچند به دلیل عبور نهری پرآب و انبوهی درختان حاشیه جوی باید جایی دلپذیر باشند. مقایسه این دو دسته باغ آشکار می‌کند که باغ‌های غیر سکونتی آبادی عزت‌آباد با هم تفاوت جدی دارند. دسته نخست باغ‌های نزدیک‌تر به باغ اصلی هستند، بخصوص آن‌ها که به خیابان و

پر شمار حاشیه آن (ت ۶)، شکلی طبیعی دارند. این موضوع باید ویژگی اصلی مجموعه باغ‌های آبادی عزت‌آباد تلقی شود: کنار

هم بودن باغ‌های کاملاً متفاوت از نظر شکل که حول یک باغ مرکزی و یک خیابان بیرون از باغ اصلی سازمان‌دهی شده‌اند. گوناگونی طرح و محتوای درونی باغ‌های یادشده نشان می‌دهد که تنوع شکل و نوع سازمان‌دهی در درجه اول اهمیت بوده است و دیگر اینکه طرح مجموعه‌ای از باغ‌ها بسته به محل قرارگیری هر باغ و کارکرد آن شکل می‌گرفته است (ت ۱۳).

در اینجا باید به نقش باغ مرکزی نیز توجه کرد. به نظر می‌رسد که، باغ عزت‌آباد، که بر دامنه تپه اتکا دارد، نقشی کانونی در مجموعه عزت‌آباد بر عهده دارد و حلقه پیونددهنده عناصر دیگر است. این جای‌گیری می‌تواند تفسیری از موقعیت بانی مجموعه نیز باشد، هر چند نقش عوامل فنی نیز نباید نادیده گرفته شود: نخست اینکه باغ اصلی در جایی قرار گرفته است که به خاطر قرارگیری بر دامنه تپه، بهترین منظر را برای دیدن و دیده شدن در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد، دیگر اینکه مسیر آب قنات از محل آفتابی شدن تا ورود به باغ اصلی جریان طبیعی بر روی سطح زمین دارد و رعایای ساکن قلعه در دورترین نقطه نسبت به این محیط طبیعی پردرخت و سایه مستقر شده‌اند. این مکان که جویی طبیعی در میان دارد نباید بخشی فرعی تلقی شود، بلکه برعکس، به واسطه آبی که در بالادست آن جاری است، باید بخشی مهم از طرح کلی آبادی دانسته شود. بنا بر این به نظر می‌رسد که فهم فضای باغ، بدون در نظر گرفتن همه آبادی، میسر نیست و هر دو گونه فضای طراحی شده و طبیعی در دسترس هستند و بخشی اصلی از طرح مجموعه به‌شمار می‌آیند (ت ۱۴).

در پی خشک شدن قنات و متروکه شدن باغ، درختان آن هم از بین رفته‌اند در نتیجه از نوع آن‌ها اطلاعی در دست نیست و اثری از طرح کاشت آن‌ها نیز بر جای نمانده است. آنچه ما را در شناخت الگوی کاشت و نوع درختان یاری می‌کند خاطرات مطلعین محلی است. طبق گفته ایشان هرآنچه که در آن دوران در ابرکوه کشت می‌شده در این باغ یک‌جا جمع بوده است، از



ت ۱۲ (صفحه روبرو، بالا). موقعیت حوض جدید باغ عزت آباد بر عکس هوایی سال ۱۳۶۲ ش، مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ترسیم: اکرمی. ت ۱۳ (صفحه روبرو، پایین). وضعیت باغ و آبدی عزت آباد بر اساس وضعیت ثبت شده در عکس هوایی سال ۱۳۴۵، مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور. ت ۱۴. باغ‌های آبدی عزت آباد و وضعیت پیرامون آن، مأخذ: اکرمی.

۱۳۳۵ ش (ت ۶) مشاهده می‌شود، در مسیر خود حاشیه سبزی را نیز ایجاد می‌کرده است، تا اینکه به منطقه و باغ عزت آباد وارد می‌شده است. آب قنات سپس از طریق دهانه باز پل‌هایی، که دورتادور حصار باغ تعبیه شده بودند، به داخل باغ وارد و درون کرت‌ها پخش می‌شده است (ت ۸).

۶. شناخت فضاهای معماری باغ عزت آباد

نخستین عنصر معماری که در حال حاضر در منطقه عزت آباد به چشم می‌آید کوشکی در میان محدوده تخریب شده باغ و در فاصله یک‌سوم انتهایی آن است (ت ۱۶). مساحت کوشک حدود ۴۰۰ متر مربع با طول ۲۰ متر و عرض ۱۹/۹۰ متر و



جمله انگور، انار، زردآلو، آلوچه، و سیب و گل‌های سرخ، لندنی و چم که در عید نوروز گل می‌داده است^{۳۳}. متأسفانه در حال حاضر و در نتیجه خشک شدن قنات، جز چند درخت پسته که تعداد آن‌ها انگشت‌شمار است، گیاهان بیشتری باقی نمانده است. هرچند به نظر می‌رسد که برخی از درختان پسته یادشده پاجوش‌های تنه‌های اصلی قدیمی بوده‌اند و ممکن است به سال‌های حیات باغ در دهه‌های گذشته بازگردند.

قنات کهن‌ترین و مهم‌ترین شکل بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در منطقه ابرکوه است. طبق آمارگیری سال ۱۳۷۲، ابرکوه تنها ۳۳ رشته قنات فعال داشته است که به دو دسته قنات دشتی و کوهپایه‌ای تقسیم می‌شده‌اند. از ۳۳ رشته قنات فعال ابرکوه، ۱۸ رشته دشتی و ۱۵ رشته کوهپایه‌ای بوده و حداکثر آب‌دهی برابر ۷۵ لیتر بر ثانیه و مربوط به قنات علی‌آباد می‌شده است.^{۳۳} منطقه عزت‌آباد ابرکوه را قناتی به همین نام مشروب می‌کرده است.^{۳۴} اگرچه مشخص نیست که این قنات را سالارها ساخته یا احیا کرده‌اند یا نه، اما بهره‌گیری از آن برای اولین بار در منطقه عزت‌آباد و از سوی سالارنظام باعث آبادانی کل باغ‌ها و زمین‌های زراعی عزت‌آباد شده است. بعد از فوت سالارنظام این زمین‌ها به پسرش امیدسالار می‌رسد و پس از آن است که آب قنات رو به خشکی می‌رود و مالک برای احیای مجدد قنات تلاش می‌کند. تلاش‌های مالکین بعدی نیز فایده‌ای نداشته است.

همان‌طور که در «ت ۱۵» قابل مشاهده است، قنات عزت‌آباد از طرف غرب شهر (در حوالی جایی که اکنون بیمارستان خاتم الانبیا است) شروع می‌شده و به میدان شهدا در شرق شهر می‌رسیده است. در طول این مسیر ۵۴۴۶ متری به کمک پاکنه برداشت از آب میسر بوده است. در نزدیکی میدان شهدای فعلی عمق بستر آب کم می‌شده، به طوری که، با احداث پاکنه به عمق ۱ تا ۲ متر، آب در دسترس می‌شده است. بعد از آن آب قنات روزمینی می‌شده و همان‌طور که در عکس هوایی سال



با ارتفاع ۸/۶۰ متر است. بنا دو اشکوبه است، با پلان چهارگوشه و با چیدمان فضایی کاملاً متقارن و شامل یک فضای میانی با مساحتی نزدیک به ۲۳ متر مربع، ۴ اتاق تقریباً هم‌اندازه با مساحتی بین ۹/۵۰ تا ۱۰/۵۰ متر مربع در چهار گوشه در هر دو طبقه و چهار راهرو در چهار جبهه طبقه همکف. این راهروها با هم ارتباط دارند و دورتادور بنا را در بر گرفته‌اند. مساحت این

فضاها در اضلاع شمالی و جنوبی نزدیک به ۲۶ متر مربع و در اضلاع شرقی و غربی کمی بیشتر و حدود ۴۰ متر مربع است. اتاق‌های گوشه در طبقه اول همانند طبقه همکف تکرار شده‌اند و راهروهای دورتادور بنا که حالت غلام‌گرد دارند، با گشوده شدن یک بر آن‌ها به سمت باغ، شکل ایوان‌های طولی را در هر جبهه بنا گرفته‌اند. این ایوان‌های طبقه اول به صورت تیروپوش بوده و مساحت آن‌ها حدود ۴۰ متر مربع است و با چهار فضای تقریباً ۸ متری در چهار کنج بنا با هم مرتبط می‌شوند. شکل مربع عمارت و قرارگیری چهار اتاق در چهار کنج آن که ایوان‌های طولی با سقف چوبی در میان دارند، علاوه بر اینکه روشی برای سبک کردن عمارت در اشکوب بالا بوده است، نشان می‌دهد که بانیان باغ علاقه وافری به دیدن منظرهای دور و نزدیک و درون و بیرون باغ داشته‌اند.

با استناد به پرونده ثبتی اثر، کوشک باغ عزت‌آباد بعد از ثبت در فهرست آثار ملی، یک دوره مرمتی را در سال ۱۳۸۶ پشت سر گذاشته است که شامل مرمت استحفاظی فضای میانی کوشک است. با بررسی عکس‌های قبل و بعد از مرمت این قسمت، به نظر می‌رسد که این اقدامات به‌جا بوده و پایداری نسبی کوشک را تا به امروز تضمین کرده است (ت ۱۷).
در مورد کوشک یادشده می‌توان به بخاری‌های دیواری اشاره کرد که سیستم گرمایشی آن برای فصل سرد بوده است. این بخاری‌ها در اتاق‌های جبهه جنوبی اشکوب همکف کوشک قابل مشاهده هستند. شاید دلیل فقدان بخاری دیواری در دو اتاق دیگر، که اتفاقاً در جبهه شمالی واقع شده‌اند، این باشد که این دو اتاق فضایی خدماتی مانند انباری بوده‌اند. زیرا در باغ عزت‌آباد فضای خدماتی مجزایی نیست و از سوی دیگر، در اشکوب اول کوشک هر چهار اتاق به بخاری دیواری مجهزند. اتاق ضلع غربی فضای جنب ورودی شمالی باغ نیز بخاری دیواری دارد. همه پیش‌بخاری‌ها ساده و فاقد تزئینات هستند. علاوه بر این، تقریباً بر بدنه جرز همه طاقچه‌ها، در هر دو طبقه کوشک، روزن‌هایی مشاهده می‌شود که احتمالاً برای تهویه هوا بوده‌اند. در این صورت، جریان هوای ایجادشده با این روزن‌ها

۳۲. قابل ذکر است که دو نوع گل چم و گل لندنی عناوینی هستند که مطلعین محلی آقایان معمارزاده و داوودی نام برده‌اند و از نام علمی این دو گونه و یا صحت و سقم این ادعا اطلاعی در دست نیست.

۳۳. نک: شرکت سهامی آب منطقه یزد، گزارش طرح مطالعات شناسایی و طبقه‌بندی قنات دایر استان یزد.

۳۴. بنا بر صحبت‌های اقرادی همچون آقای مهندس زرنگار، از کارکنان و آگاهان به امر، در مصاحبه‌های صورت‌گرفته، و در نهایت تأیید آقای نجاستی، کارشناس قدیمی و تجربی قنات، منطقه عزت‌آباد ابرکوه را قناتی به همین نام مشروب می‌کرده است.

ت ۱۵. نمایش قنات عزت‌آباد از مادرچاه (غرب) تا مظهر قنات (شرق) بر عکس هوایی ۱۳۹۳، مأخذ: اکرمی بر اساس اطلاعات آقای زرنگار.

معمول، در میان یکی از اتاق‌های جبهه شمالی ساخته شده است. همان اتاق‌هایی که پیش‌بخاری ندارند و از نظر فضایی می‌بایست بخش مهمی از نقشه کوشک محسوب می‌شدند، ولی احتمالاً برای کاربری خدماتی مد نظر بوده‌اند. البته به نظر می‌رسد که ساخت این پله‌ها بخشی از برنامه اولیه احداث کوشک نبوده و بعداً برای سهولت دسترسی به اشکوب اول از داخل خود بنا ساخته شده است. دلیل این ادعا وجود تاقچه‌هایی است که پشت این پله‌ها قابل مشاهده است (ت ۲۰). از این رو پلکان داخل اتاق یادشده، باید عنصری الحاقی و متأخر محسوب شوند. بر این اساس حتی ممکن است تصور شود که برنامه اولیه ساخت کوشک، دربرگیرنده بنایی یک اشکوبه بوده که بعدها اشکوب دیگر به بنا افزوده شده باشد. بررسی میدانی کوشک و پیوستگی بخش‌های مختلف آن چنین احتمالی را رد می‌کند، از

به کمک حوضی که احتمالاً در وسط فضای میانی کوشک بوده، در فصل گرما شرایط مطلوبی را برای آسایش ایجاد می‌کرده‌اند (ت ۱۸).

مشخصه اصلی کوشک باغ تقارن نسبتاً کامل آن در نقشه هر دو اشکوب و همچنین در نماها است. چیدمان فضاها با این تقارن باعث شکل‌گیری پلان چهارصفا در کوشک باغ عزت‌آباد شده است (ت ۱۹).^{۳۵} این میل به تقارن و حضور فضاهای رسمی، که به طور معمول در باغ‌های رسمی مشاهده می‌شود، کوشک و حتی عرصه باغ را از هرگونه فضای مختص خدمات زدوده است. به گونه‌ای که نه تنها در داخل و بیرون حصار باغ، بلکه در فضای داخلی کوشک هم اثری از فضاهای فرعی مانند مطبخ مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که برای به هم نخوردن این تقارن در پلان، پلکان و مسیر دسترسی‌ای به اشکوب بالا، برخلاف

۳۵. این میزان تقارن در پلان کوشک و چیدمان فضاها، به‌علاوه روزن‌های تهویه هوا بر بدنه جرزهای کوشک، وجه تمایز کوشک این باغ با چند باغ دیگر در ابرکوه است که در این تحقیق به مطالعه و تطبیق آن‌ها با هم پرداخته شده است. قابل ذکر است که فضای روباز میان کوشک و احتمال وجود حوض در این میان تفاوت قابل تأمل دیگری است که باغ عزت‌آباد با سایر باغات در این خطه دارد.

ت ۱۶. کوشک باغ عزت‌آباد: راست بالا، نمای شمالی؛ چپ بالا، نمای جنوبی؛ راست پایین، نمای شرقی؛ و چپ پایین، نمای غربی، مأخذ: اکرمی.



این رو بنا باید کوشکی دو اشکوبه تلقی شود که پس از ساخت و در دوره‌ای متأخر پلکانی درون آن افزوده شده است تا ارتباط دو اشکوب همکف و اول از داخل و به سهولت انجام شود.

تنها مسیر دسترسی به طبقه بالا، تا پیش از ساخت پلکان مذکور، پله‌های بیرونیِ جبهه جنوبی کوشک بوده است. این دو راه‌پله مجزا بخش جنوبی محوطه گشوده پیرامون عمارت را به طور مستقیم به اشکوب بالا پیوند می‌داده‌اند و هنوز هم آثار بخشی از آن‌ها باقی مانده است. آنچه در مورد این پله‌ها قابل توجه است، حالت مجزا از عمارت آن‌ها است و اینکه یکسره بیرون آن قرار گرفته‌اند. این می‌بایست حاکی از خصوصیات معماری دوره ساخت بنا باشد که پله‌ها، برخلاف رسوم معمول دوره‌های پیشین، جنبه نمادین یافته و در جلو عمارت تعبیه می‌شوند. این شکل از پلکان در پاره‌ای از کوشک‌های نیمه دوم دوره قاجار مشاهده می‌شوند. جدای از نمونه‌ای همچون عمارت باغ عقیف‌آباد در شیراز، می‌توان به قصر بانوی عظمی در نزدیکی اصفهان نیز اشاره کرد که در آن چنین پلکانی در برابر عمارت قرار گرفته است.^{۳۶}

با وجود این، کوشک عزت‌آباد از این نظر با هر دو عمارت یادشده متفاوت است. نخست اینکه در این کوشک دو پلکان که فضای باز متصل به کوشک را به غلام‌گردهای اشکوب بالای آن متصل می‌کنند، به حالتی متقارن در دو سوی ضلع

جنوبی عمارت هستند و بر تقارن کوشک باز هم افزوده‌اند. نکته مهم‌تر این است که دو پلکان یادشده در پشت عمارت، و نه در جبهه مقابل ورودی اصلی باغ، ساخته شده‌اند. این موضوع آشکار می‌کند که خواست بانیان بنا افزایش حالت رسمی بنا از طریق نمایش دو راه‌پله متقارن نبوده، بلکه اتصال مستقیم اشکوب بالا با محدوده پشت کوشک بوده است. از این رو شاید بتوان اشکوب بالای عمارت را بخش اندرونی و یا دست‌کم خصوصی‌تر عمارت دانست که به طور مستقیم به محدوده پردرخت پشت عمارت، که دربرگیرنده امتداد جوی اصلی آب قنات است، متصل بوده و به آن اشراف دارد و در عین حال به محوطه میان کوشک و ورودی اصلی نیز تسلط دارد. بنا بر این به نظر می‌رسد که درون باغ عزت‌آباد جایی برای اندرون بوده است و در عین حال محوطه میان ورودی شمالی و کوشک و اشکوب پایین کوشک بخش‌های کم‌وبیش بیرونی باغ اربابی یک حاکم محلی بوده‌اند تا در زمان استقرار در آنجا نیز بتوانند کسانی را به حضور بپذیرد. ایجاد تفکیک میان این دو بخش به‌خوبی و بدون تمهیدات کالبدی وسیع صورت گرفته است تا فضای باغ تقسیم نشود.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که پلکان الحاقی درون یکی از اتاق‌ها که پیش‌تر از آن صحبت شد (ت ۲۰)، زمانی ساخته شده است که باغ دیگر جایی رسمی

۳۶. برای اطلاعات بیشتر نک: حمیدرضا جیحانی و آنوسا عمرانی، «باغ و قصر بانوی عظمی».

ت ۱۷. دو تصویر سمت راست فضای میانی کوشک پیش از مرمت، مأخذ: مرادی، فرزین و کاظم مختارنیا. پروژه مستندنگاری باغات ابرکوه؛ و دو تصویر سمت چپ وضعیت آن را پس از مرمت، مأخذ: اکرمی.



یا کمبود فضاهای خدماتی را نیز جبران می‌کند. زیرا آبادی عزت‌آباد، بنا بر گفتهٔ مطلعین محلی^{۳۷}، همچون دیگر نمونه‌های مشابه، بر اساس نظام ارباب و رعیتی شکل گرفته و کل آن در اختیار و تحت سرپرستی مالک آن، سالارنظام، بوده است. این موضوع از بررسی میدانی محدودهٔ عزت‌آباد و همچنین مطالعه و بررسی عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ش نیز قابل فهم است (ت ۶ و ۱۱)، عکس‌هایی که یکپارچگی و پیوند میان اجزای گوناگون آبادی را به‌خوبی آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از باغ‌های میوه و زمین‌های زراعی به‌همراه یک باغ تشریفاتی چطور متکی بر تپهٔ مجاور و حول محور آب قنات عزت‌آباد شکل گرفته‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد که کل منطقه یا آبادی عزت‌آباد یک ورودی رسمی داشته است که ورود به باغ اصلی، به منزلهٔ قلب مجموعه، را فراهم می‌کرده است. باغ اصلی و همچنین راه مشجر مقابل ورودی آن به پاره‌ای از بخش‌های مهم مجموعه دسترسی داشته‌اند. ورودی یادشده که دربردارندهٔ باغی طویل به شکل یک خیابان است، می‌بایست بازآفرینی یک الگوی قدیمی در باغ‌سازی باشد که در اواخر دورهٔ قاجار در منطقهٔ ابرکوه شکل گرفته است، موضوعی که سابقهٔ تاریخی دارد. نمونه‌های رسمی‌تر این خیابان را می‌توان در باغ‌های پراهمیت و شاهی دورهٔ صفوی در قزوین و اصفهان و فین کاشان دنبال کرد^{۳۸} و نمونه‌های قاجاری آن نیز

نبوده است و شاید همهٔ فضای باغ به صورت اندرونی یا چیزی شبیه آن استفاده می‌شده است، نه فقط محدودهٔ پشت عمارت اصلی. در این صورت پلکان برای ارتباط دادن اشکوب بالای کوشک به محوطهٔ پشت عمارت دیگر موضوعیت نداشته است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که الحاق مربوط به زمانی است که نظام حکومتی در ابرکوه برچیده شده یا کم‌رنگ شده بود.

حالت رسمی که در معماری کوشک عزت‌آباد مشاهده می‌شود، در بخش‌های دیگر آن نیز دیده می‌شود. از جمله قرارگیری برج‌های دو اشکوبه در چهار گوشهٔ حصار تصویر کلی باغ را به باغی رسمی نزدیک‌تر کرده است. این برج‌ها حدود ۶ متر ارتفاع دارند و دربرگیرندهٔ اتاق‌هایی با مساحت حدود ۹/۵۰ متر مربع هستند. شاید برج‌ها محلی برای حراست از باغ و منطقه بوده‌اند، موضوعی که با گزارش مک‌گرگور همخوانی دارد. بررسی وضعیت برج‌ها در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که برخی تعمیرات در آن‌ها صورت گرفته است (ت ۲۱).

پلان قلعهٔ عزت‌آباد تقریباً مربع است، با چهار برج سه‌طبقه در چهار گوشهٔ حصار آن و دربردارندهٔ فضاهای مسکونی و خدماتی همچون کاهدان و فضای نگهداری احشام و حمامی که در گوشهٔ شرقی جبههٔ جنوبی قلعه است (ت ۲۲). این قلعهٔ مسکونی و خدماتی در جبههٔ شرقی باغ عزت‌آباد واقع شده (تصویر ۲۳) و به نظر می‌رسد که علاوه بر سکونت رعایا، نبود

۳۷. حاج امیر معمارزاده و سیدجلیل داوودی و حاج محمدحسن نجاتی
۳۸. در مورد خیابان قزوین نک:
Mahvash Alemi, *The Garden City of Shah Tahmasb Reflected in the Words of His Poet and Painter.*

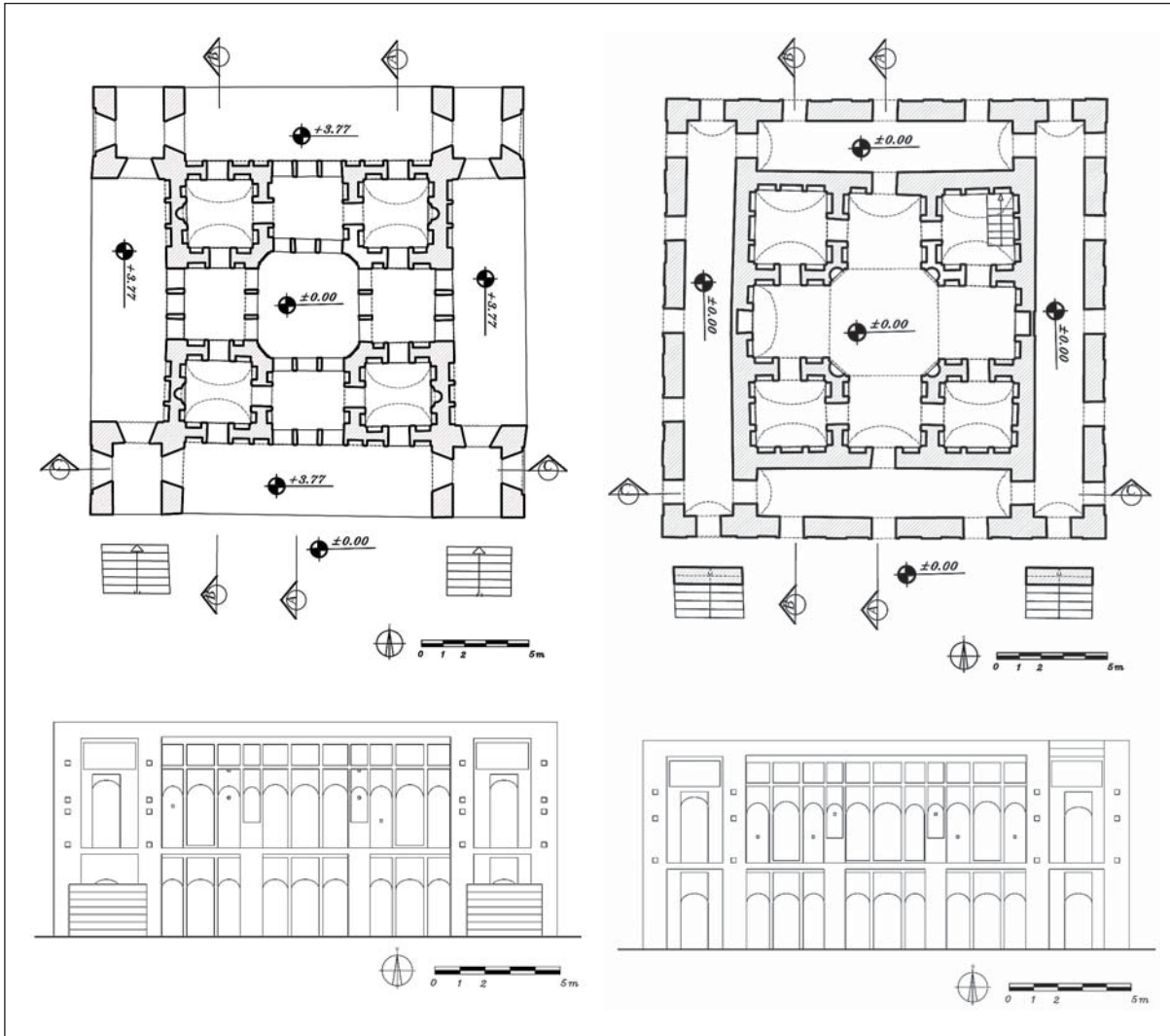
در مورد باغ فین نیز نک: مریم رضایی‌پور، طرح مرمت باغ کهنه و بازسازی خیابان میان باغ کهنه و باغ فین.

ت ۱۸. به ترتیب از سمت راست؛ فضای میانی کوشک، راهروهای ارتباطی طبقهٔ همکف کوشک، پیش‌بخاری اتاق‌های کوشک، روزن‌های تهویه هوا، مأخذ: اکرمی.



قلب مجموعه و یادآوری رفت‌آمدهای احتمالی، آشکار می‌کند که چرا پلکان‌های اتصال‌دهنده صحن باغ و اشکوب بالای کوشک برای ایجاد محرمیت بیشتر، در فاصله میان عمارت و ورودی اصلی احداث نشده‌اند، بلکه پشت آن قرار گرفته‌اند. این تمهید بخشی از کوشک و حیاطی مصفا را به عرصه‌ای خصوصی تبدیل کرده است.

در تهران و در اتصال به باغ‌هایی چون صاحبقرانیه و سلطنت‌آباد و همچنین جنت گلشن قابل مشاهده است.^{۳۹} به نظر می‌رسد بانی باغ عزت‌آباد این الگو را در مقیاسی کوچک اجرا کرده است. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت باغ عزت‌آباد و همچنین جایگاه بانی آن است. در عین حال نقش ورودی اصلی در ایجاد دسترسی به باغ اصلی و همچنین نقش باغ یادشده، به منزله



۳۹. در مورد باغ‌های صاحبقرانیه و سلطنت‌آباد به نقشه راه‌های تهران مراجعه شود، نک: محسن متمدی، جغرافیای تاریخی تهران، در مورد باغ جنت گلشن و خیابان متصل به آن نک: سیدمحمد بهشتی، «خیابان ولیعصر، چهارباغ معاصر».

ت ۱۹. بالا سمت راست: پلان طبقه همکف کوشک باغ؛ بالا سمت چپ: پلان طبقه اول کوشک باغ؛ پایین سمت راست: نمای شمالی؛ پایین سمت چپ: نمای جنوبی، تقارن و شباهت بصری در دو نمای دیگر هم دیده می‌شود، مأخذ: مرادی و مختارنیا؛ اصلاح و بازترسیم: ل. اکرمی.

روزن‌ها در باغ‌های دیگر اشاره شده در این مقاله دیده نمی‌شود و گاه صرفاً منفذهایی در بالای بازشوها قابل مشاهده است. فضای میان کوشک که به نوعی نقش حیاط مرکزی را دارد، طبق اطلاعات مندرج در پرونده ثبتی اثر و همچنین ادعای یک معمار قدیمی^{۴۱}، حوضی در میانه داشته که اکنون، به دلیل تخریب یا آوار حاصل از تخریب دیوارهای حیاط مرکزی، اثری از آن مشاهده نمی‌شود و شناسایی حالت اصیل آن مستلزم گمانه‌زنی و پاک‌سازی محدوده میانی کوشک است.

بررسی برخی نمونه‌ها نشان می‌دهد که در باغ‌های ابرکوه هم ورودی در امتداد محور اصلی باغ و کوشک و هم عمود بر آن محور هر دو معمول است. در حالی که در باغ اسفندیارخان فیروزآباد ورودی و عمارت اصلی در امتداد یکدیگر نیستند، باغ‌هایی مانند اسفندیار سالاری و امیدوار، هر دو همچون باغ عزت‌آباد دربردارنده ورودی اصلی در راستای محور میانی باغ و کوشک آن هستند (ت ۲۴). به نظر می‌رسد که جدای از محدودیت‌های احتمالی، در چنین باغ‌هایی چگونگی ورود با

۷. نگاهی به باغ‌های هم‌دوره

برای شناخت بهتر باغ عزت‌آباد لازم است نگاهی به دیگر باغ‌های ابرکوه داشت تا شکل و خصوصیات اصلی باغ مورد نظر بر اساس این مقایسه اجمالی آشکار شود. قابل ذکر است که این مقایسه با باغ‌هایی صورت می‌گیرد که تقریباً هم‌دوره باغ عزت‌آباد بوده‌اند و قدمت آن‌ها به اواخر قاجار یا اوایل دوره پهلوی بازمی‌گردد. بنا بر محدود مطالعات پیشین، اطلاعات شکلی ۴ باغ بررسی می‌شود: باغ دولت‌آباد، باغ اسفندیار سالاری (سنی)، باغ اسفندیارخان، و باغ امیدوار (ت ۲۴).

در باغ عزت‌آباد فضاهای خدماتی مثل انبار، اصطبل، و کاهدان به چشم نمی‌خورد. تنها فضایی که می‌توان عنوان خدماتی بر روی آن گذاشت، طبقه همکف برج‌های حصار باغ است که ابعاد کوچکی دارند. بخش‌های خدماتی احتمالاً به دلیل میل فراوان به ایجاد یک فضای متقارن و رسمی، از درون صحن باغ حذف شده‌اند، موضوعی که در طرح کوشک نیز به خوبی قابل مشاهده است. بر این اساس فضاهای خدماتی ممکن است در جایی بیرون باغ باشند.^{۴۰}

با وجود شباهت باغ عزت‌آباد با برخی نمونه‌های معرفی شده در بالا و از نظر فضای خدماتی و شکل کلی، باید در نظر داشت که باغ مورد نظر فضای به مراتب رسمی‌تر و متقارن‌تر دارد. این تفاوت وجه تمایز اصلی باغ عزت‌آباد با سایر باغ‌های منطقه است که نقشه‌ای از آن‌ها در دست است. نکته دیگر که در مورد وجه تمایز باغ عزت‌آباد قابل تأمل است، فضای مرکزی کوشک آن است که، برخلاف نقشه همه باغ‌های این شهر، روباز است و سرپوشیده نیست و فضاهای اصلی حول آن شکل گرفته‌اند. این فضا شبیه به حیاط مرکزی است و کاربری آن علاوه بر فضای تقسیم و سازمان‌دهی، جایی مطلوب برای برقراری جریان هوا در فضاهای دورتادور و تهویه این فضاها بوده است. با توجه به وجود روزن‌های مشبک در دیوارهای اصلی کوشک (در قسمت تاقچه‌ها)، صحت این موضوع محتمل‌تر می‌شود. نمونه این

۴۰. در این مورد نک: پرونده ثبتی کوشک باغ عزت‌آباد، ۱۳۸۶.
۴۱. مصاحبه شفاهی با حاج امیر معمارزاده.

ت ۲۰. الحاق پله در اتاق شرقی چپه شمالی طبقه همکف کوشک، مأخذ: اکرمی.



پلانی انتزاعی و خالص، در حد مشاهده شده در باغ عزت آباد، جلوگیری شده است. در این مورد باید توجه داشت که درون باغ عزت آباد هیچ بنایی غیر از کوشک نیست. وجود برج‌هایی در چهار گوشه هر دو باغ ذکر شده نشان می‌دهد که، جدای از پرسپکتیو ورودی و چگونگی ورود به باغ، عناصری مانند برج‌های چهار گوشه باغ می‌تواند به برداشت دیگران از حس رسمی بودن باغ کمک کند. این موضوعی است که توجه به تزیینات روی برج‌ها به آن قوت می‌بخشد.

۸. نتیجه گیری

باغ عزت آباد، نمونه‌ای از باغ‌سازی آخرین حاکمان محلی ابرکوه در اواخر دوره قاجار، در حاشیه شرقی شهر واقع شده است. با وجود تخریب‌ها و بی‌توجهی‌های فراوان، کوشک دوطبقه و شاخص آن در میان زمین‌های خشکی خودنمایی می‌کند که در گذشته آبادی عزت آباد را شکل می‌داده‌اند. علاوه بر کوشک و باغ پیرامون آن، عناصر مهم دیگری را (همچون

امکان ادراک منظری عمیق از خیابان و کوشک اصلی همراه بوده است. این موضوع ممکن است بخشی از خواسته مالک برای ساخت یک باغ اربابی بوده باشد. اگر چنین باشد وجود محوری قوی در باغ عزت آباد، که آن را به رسمی‌ترین باغ منطقه تبدیل می‌کند، قابل توجیه است. زیرا باغ از آن حاکم منطقه بوده و می‌بایست نمایش دهنده جایگاه او باشد. بخصوص که ورود به باغ صرفاً با یک ورودی در امتداد محور اصلی باغ شکل نگرفته، بلکه یک فضای باز، که همچون یک خیابان است، نزدیک شدن به باغ و سردر ورودی آن را سازمان‌دهی می‌کرده است. این خیابان بخصوص از این نظر اهمیت دارد که هم با اندکی تغییر زاویه در امتداد خیابان اصلی باغ است و هم به طور مستقیم به راه ارتباط دهنده ابرکوه به یزد متصل می‌شده است، همان راهی که در سمت دیگرش خانه سالار نظام، بانی باغ، هنوز هم پابرجا است. بر این اساس، تنها باغ قابل مقایسه با باغ عزت آباد باغ اسفندیار سالاری است که در عین حال با قرارگیری بناهای خدماتی در جنب ورودی آن، از شکل‌گیری

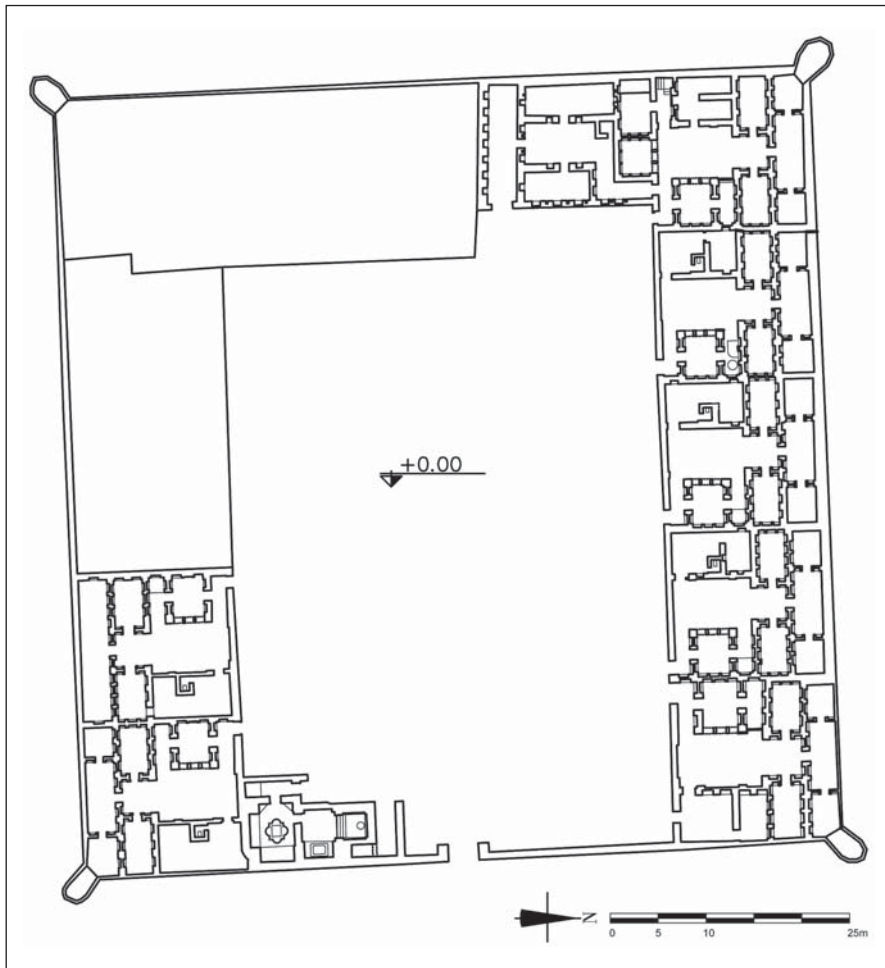
ت ۲۱. پلان، مقطع، و تصویر برج‌های حصار باغ عزت آباد، مأخذ: مرادی و مختارنیا؛ اصلاح و بازترسیم: ل. اکرمی.



دولت مرکزی بودند، بخشی از قدرت خود را با حفظ تسلط بر زمین و رعایا به نمایش می‌گذاشتند. در کنار دیگر استفاده‌ها، باغ همواره فضایی مناسب برای نمایش قدرت بوده است.

با وجود سادگی، باغ خصوصیات یک فضای رسمی را دارد. از جمله چگونگی ورود و سلسله‌مراتب آن و همچنین خلوص صحن اصلی آن فضای باغ را صورتی رسمی بخشیده‌اند. خیابانی کوتاه اما مهم در جلوی سردر مشاهده می‌شود که نشان از رواج ساخت خیابان در باغ‌های مناطق دورافتاده دارد، موضوعی که

ت ۲۲. پلان قلعه آبادی عزت‌آباد، مأخذ (برداشت و ترسیم): اکرمی.



چند باغ میوه، زمین‌های زراعی، و اراضی مجاور مسیر آب، قلعه سکونت و خیابان مقابل سردر) دربر می‌گیرد (ت ۱۳). کوشک در امتداد سردر اصلی و در فاصله نزدیک‌تری به دیوار انتهایی باغ است. کوشک یادشده و عمارت سردر تنها بناهای درون یا مرتبط با درون باغ هستند. سردر با فاصله از راه اصلی و در انتهای خیابان کوتاهی باغ را به راه اصلی ابرکوه به یزد متصل می‌کرده است. باغ بخش اقامتی و تشریفاتی آبادی بوده، یک عمارت چشمگیر داشته و صحن آن بدون عناصر خدماتی طراحی شده است. این موضوع آشکار می‌کند که باغ در زمان حضور بنیان آن میزبان طولانی‌مدت مالکان آن نبوده و بیشتر جنبه تفریحی داشته است. فاصله نزدیک آن به خانه مالک در شهر ممکن است این وضعیت بهره‌برداری از باغ را توجیه کند. از سوی دیگر، آبادی زمین‌های زراعی، باغ‌های میوه، و مهم‌تر از آن‌ها یک قلعه وسیع را شامل می‌شود. همه این‌ها نشان می‌دهد که افراد زیادی در این آبادی رعایای مالک و مشغول به کار بوده‌اند. وضع باغ نشان می‌دهد که مالک و حاکم وقت برای سکونت کوتاه‌مدت خود عرصه‌ای خصوصی را در اشکوب بالای کوشک و محدوده پشت آن سازمان‌دهی کرده است. در عین حال شکل کلی باغ بسیار رسمی است و استفاده حکومتی از آن در مدت زمان اقامت حاکم دور از ذهن نیست.

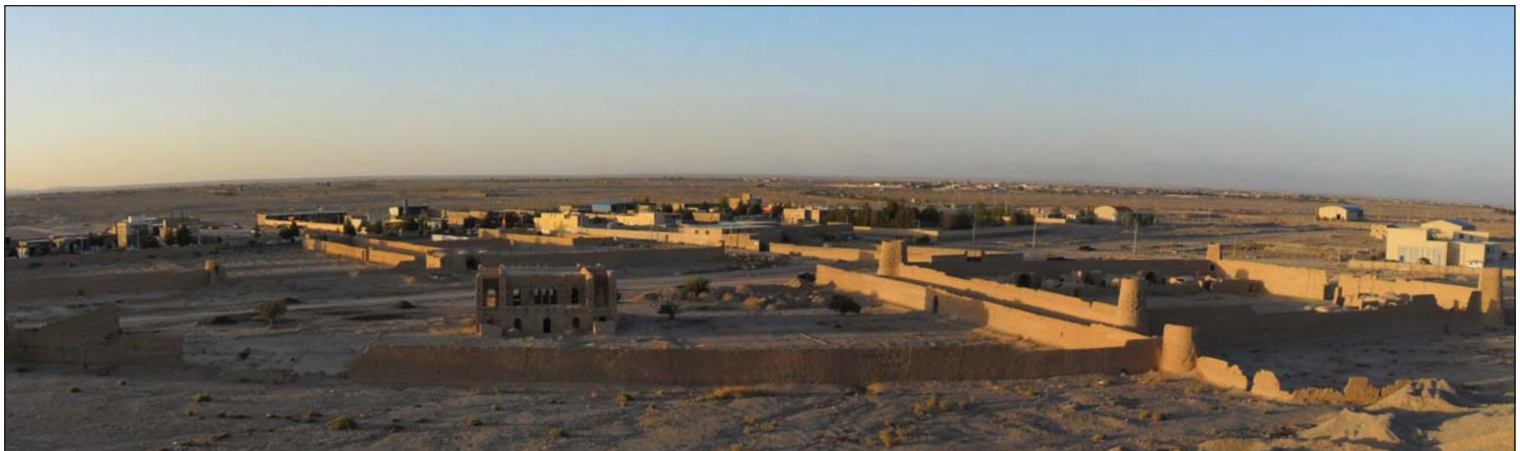
طبقه همکف کوشک و حیاط میان کوشک و سردر به احتمال فراوان فضای تشریفاتی و بخش عمومی‌تر باغ بوده‌اند، در حالی که اشکوب بالا به‌همراه حیاط پشت عمارت بخش خصوصی‌تر آن را شکل می‌داده است. اگرچه این تفکیک در طرح باغ قابل رؤیت است، به نظر می‌رسد که باغ بیش از هر چیز فضایی اقامتی در یک آبادی تولیدی و کشاورزی است. این موضوع باید ریشه در نظام اجتماعی اقتصادی دوره ساخت باغ داشته باشد، زمانی که خوانین محلی صاحب زمین، به‌واسطه قدرت اقتصادی و نفوذ اجتماعی خود، از سوی حکومت مرکزی به مقام حکام محلی منصوب می‌شدند. این خوانین گرچه نماینده

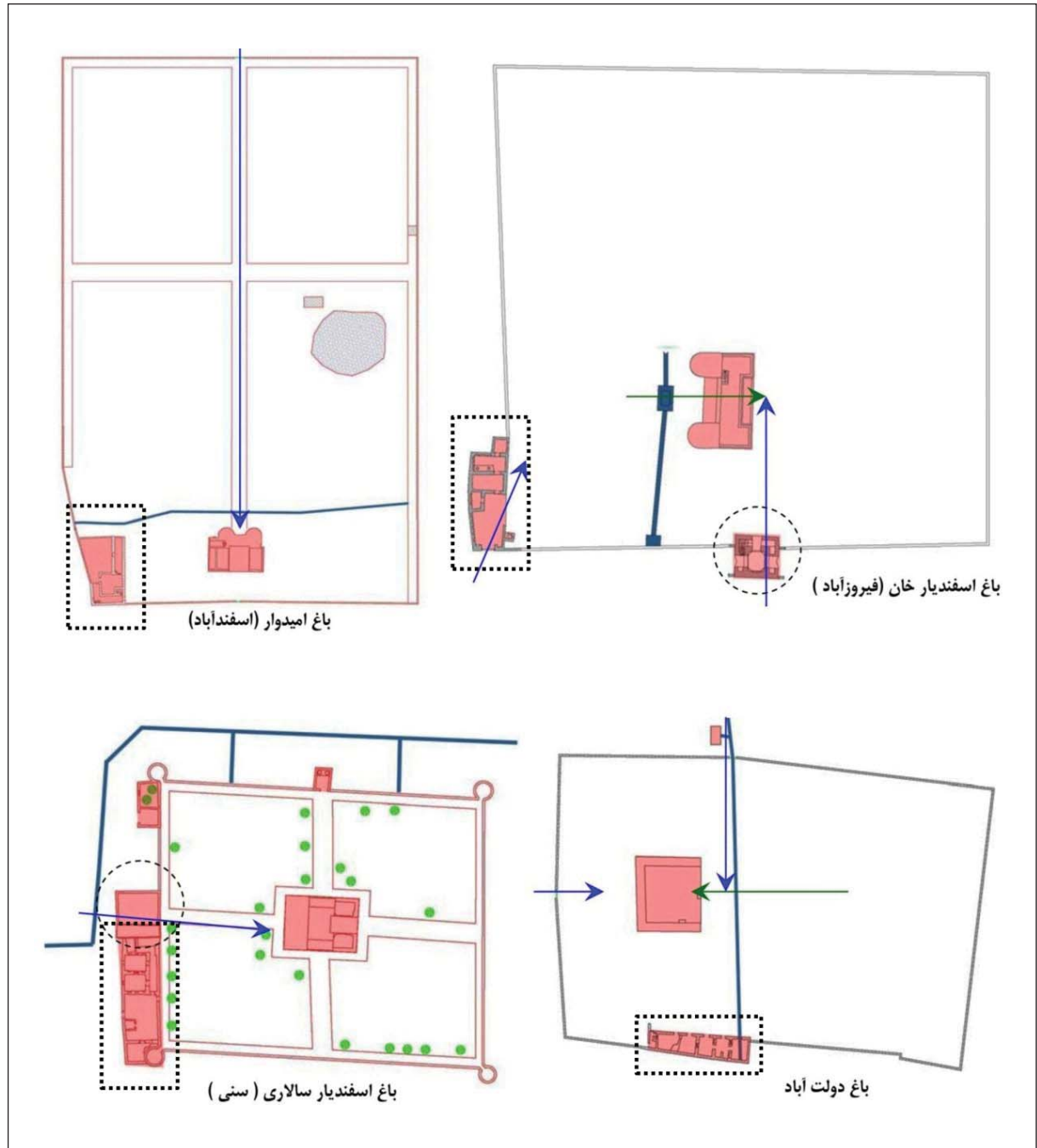
در دوره قاجار در شهرهای مهمی چون تهران رایج بوده است. هرچند با وجود عمومی بودن نمونه‌های ساخته‌شده در شهرهای بزرگ‌تر، خیابان مقابل باغ عزت‌آباد شکلی خصوصی دارد و کمتر می‌توان آن را فضایی شهری محسوب کرد. کوشک باغ با حیاطی که در میان دارد صورتی شاخص به خود گرفته است. در عین حال فقدان پلکان درون عمارت در کنار پلکان الحاقی درون یکی از اتاق‌ها نشان از آن دارد که عمارت یادشده بنایی برای استفاده همیشگی نبوده است و دو اشکوب آن با دو عرصه خصوصی و عمومی مرتبط بوده‌اند.

گذشته از این خصوصیات منحصر به فرد، باغ و آبادی عزت‌آباد با پاره‌ای باغ‌ها و آبادی‌های دیگر قرابت دارد. این موضوع نشان می‌دهد که روایت رسمی باغ‌سازی در ابرکوه که بیشتر وابسته به محدوده‌های مجاور شهر بوده است، چه خصوصیتی داشته است. این محدوده‌های مجاور احتمالاً همان‌هایی هستند که در متون جغرافیای تاریخی به آن‌ها، به منزله جایی برای باغ‌ها و فضای سبز و قابل کشت، اشاره شده است. محدوده‌های سرسبزی که در کنار بخش‌های مسکونی درون حصار ابرکوه را شکل می‌داده‌اند و ساخت شهر تاریخی، بدون در نظر گرفتن آن‌ها، چندان قابل تصور نیست. بر اساس بررسی شکل و جایگاه باغ

ت ۲۳. موقعیت قلعه (سمت راست تصویر) و باغ و کوشک عزت‌آباد (سمت چپ تصویر)، مأخذ: اکرمی.

و عناصر وابسته به آبادی عزت‌آباد، به نظر می‌رسد باغ و آبادی هر دو به طور ماهوی با یکدیگر ارتباط دارند و وابسته‌اند. آبادی در میان خود جایگاهی برای سکونت حاکم شهر، ولو کوتاه‌مدت، داشته و از این رو جایگاهی منحصر به فرد یافته است و در عین حال، باغ که از عناصر آبادی در محیط خود بهره می‌گرفته است، جایی باشکوه برای استفاده‌کنندگان محسوب می‌شده و این حس را به دیگران نیز منتقل می‌کرده است. اما مهم‌تر ترکیب عناصر گوناگون و با خصوصیات متفاوت برای شکل‌گیری آبادی است. جدای از عناصری مانند قلعه، مشاهده می‌شود که یک باغ رسمی دارای کوشک، چندین باغ با شکل هندسی (که برخی از آن‌ها خیابان‌هایی تشکیل دارند)، برخی باغ‌های بدون نظم هندسی اما پردرخت و مملو از سایه، و یک خیابان که باید باغی عمومی تر تلقی شود، در ساخت فضایی آبادی نقش دارند، ساختی که احتمالاً با زمین‌های زراعی تکمیل می‌شده است. بنا بر این باغ‌ها عنصری مهم در شکل‌گیری آبادی عزت‌آباد هستند و با گوناگونی خود نقش‌های متفاوتی در این شکل‌گیری داشته‌اند. در عین حال این خصوصیات فضایی باغ است که شکل‌گیری هسته اصلی آبادی را به منزله یک باغ اربابی و حکومتی فراهم کرده است.





ت ۲۴: نقشه باغ‌های باغ دولت‌آباد، باغ اسفندیار سالاری (سنی)، باغ اسفندیارخان و باغ امیدوار. جهت ورودی‌ها به باغ و کوشک با فلش و همچنین باغ‌هایی که پیش‌ورودی دارند با دایره مشخص شده‌اند، مأخذ: مرادی و مختارنیا؛ اصلاح و بازترسیم: ل. اکرمی.

منابع و مأخذ

- این بلخی. *فارسنامه این بلخی*، بر اساس متن لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴.
- ابن حوقل، محمد بن علی. *سفرنامه ابن حوقل، ایران در صورت الارض*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- ابن خردادبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله. *مسالك و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۱.
- اصطخری، ابو اسحق ابراهیم. *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
- افشار، ایرج. «برقو»، در *مجله دانش*، ش ۴ (تیرماه ۱۳۲۸)، ص ۲۳۲-۲۳۴.
- اکرمی، لیلال. *طرح مرمت و احیاء کوشک و باغ عزت آباد ابرکوه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ۱۳۹۳.
- امین احمد رازی. *تذکره هفت اقلیم*، با تصحیح و تعلیقات و حواشی محمدرضا طاهری. تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی. *برهان قاطع*، ج اول، به اهتمام محمد معین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- بهشتی، سیدمحمد. «خیابان ولیعصر، چهارباغ معاصر»، در اثر، ش ۶۷ (۱۳۹۳)، ص ۳-۱۴.
- پیرنیا، محمدکریم. «باغ‌های ایرانی»، در *مجله آبادی*، ش ۱۵ (زمستان ۱۳۷۳)، ص ۴-۹.
- جیحانی، حمیدرضا و آتوسا عمرانی. «باغ و قصر بانوی عظمی»، در *مجله علمی ترویجی اثر*، ش ۶۵ (۱۳۹۳)، ص ۳۳-۵۰.
- حاصلی، مرضیه. *احیای باغ‌های باغ‌شهر ابرکوه (مطالعه موردی: باغ‌های مسیر قنات کته نو)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، ۱۳۸۶.
- رضایی‌پور، مریم. *طرح مرمت باغ کهنه و بازیابی خیابان میان باغ کهنه و باغ فین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی محیط، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- سازمان اسناد املاک کشور، پرونده ثبتی کوشک باغ عزت‌آباد، ۱۳۸۶.
- شرکت خدمات مهندسی آب و خاک منطقه‌ای یزد، گزارش طرح مطالعات شناسایی و طبقه‌بندی قنوت دایر استان یزد (شهرستان ابرکوه)، اسفند ۱۳۷۷.
- شیروانی، زین‌العابدین، *بستان السیاحه*، با تصحیح میرزا عبدالله مستوفی، تهران: میرزا حبیب‌الله، ۱۳۱۵ق.
- شیروانی، زین‌العابدین. *حداثق السیاحه*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- قبادیان، عطاءالله. *سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسایل کویری*، یزد: استانداری یزد، ۱۳۶۱.
- قهرمانی، ابوالفتح. *یزد نگین کویر*، یزد: انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، ۱۳۷۵.
- کارگر، سامان. *طرح مرمت و سامان‌دهی مسجد جامع ابرکوه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۸۹.
- مدرس‌زاده ابرقوئی، سیدعلی. *شناخت ابرقوه و قدمت آن*، اصفهان: انتشارات خدمات فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- مرادی، فرزین و کاظم مختارنیا. *پروژه مستندنگاری باغات ابرکوه* (گزارش منتشر نشده)، به سفارش اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد، ۱۳۸۵.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. *نزهة القلوب*، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- معتمدی، محسن. *جغرافیای تاریخی تهران*، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- مک‌گرگور، چارلز متکاف. *شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان*، ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- منشی‌زاده، محمدحسین. *سفرنامه منشی‌زاده*، به اهتمام محمدباقر منشی‌زاده و با مقدمه ایرج افشار، یزد: امین، ۱۳۷۱.
- نقشه‌ها و مدارک سازمان نقشه‌برداری کشور.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت. *معجم البلدان*، ج اول، بخش نخست، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
- جمع‌آوری اطلاعات با مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات شفاهی با ارگان‌های ذی‌ربط شهرداری، منابع طبیعی و آبخیزداری، جهاد کشاورزی، اداره میراث فرهنگی، و مصاحبه با آقایان سیدجلیل داوودی، حاج احمد امیدی، مهندس احمدرضا زرنگار، حاج محمدحسن نجاتی و استادکار قدیمی حاج امیر معمارزاده.
- تصویر ۴ از آلبوم شخصی ذبیح الله امیدسالاری است.

Alemi, Mahvash. *The Garden City of Shah Tahmasb Reflected in the Words of His Poet and Painter. Interlacing words and things: Bridging the nature-culture opposition in gardens and landscape*, ed. Stephen Bann, Washington, D.C: Dumbarton Oaks Research Library and Collection, 2012, pp. 95-113.